

بررسی ابعاد شخصیتی قهرمانان یوگنی آنگین به عنوان آدم زیادی در نسل طلایی روسیه

بهرام زینالی*

دانشیار زبان و ادبیات روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

روح‌انگیز قلیزاده**

کارشناس ارشد زبان و ادبیات روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران،

تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۵، تاریخ تصویب: ۹۲/۷/۱۳)

چکیده

آکساندر سرگیویچ پوشکین، برجسته‌ترین شاعر قرن نوزدهم در خانواده‌ای اشرافی، زاده شد. جامعه و حکومت، همواره افکار او را به خود مشغول می‌ساخت. در آثار او قشرهای مختلف جامعه به تصویر کشیده شده‌اند، از جمله دهقانان، رعیت‌ها و حاکمان. علاوه بر همه این افراد، پوشکین در آثار خود، به خوبی گونه‌سازی انجام می‌داد. در آثار او شخصیت‌ها و قهرمانان ادبی مختلفی مانند «قهرمانان کوچک»، «آدم‌های زیادی» و دیگر شخصیت‌ها به چشم می‌خورند. یکی از قهرمانانی که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است، گونه «آدم‌های زیادی» است. نماینده این گروه از قهرمانان، شخصیت اصلی رمان یعنی یوگنی آنگین است. هر چند تورگنیف در اثر «دفترچه یادداشت آدم زیادی» در سال ۱۸۵۰، این شخصیت را به تصویر کشیده است، اما ورود این قهرمان به ادبیات روسیه از طریق آثار پوشکین و با اثر مشهور یوگنی آنگین صورت می‌گیرد. در این مقاله، ضمن بررسی یوگنی آنگین، به عنوان نماینده این گونه از قهرمانان ادبی، گروه دیگری معرفی می‌شود که می‌توان آن را نماینده نسل طلایی نامید. این گروه از قهرمانان جایگاهی هم‌رده با آنگین دارند، با بررسی شخصیت آن‌ها، سعی خواهد شد در پایان مقاله توضیح روشنی از هر دو گروه، با استفاده از تشابهات موجود، ارائه گردد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات قرن نوزده، آدم زیادی، یوگنی آنگین، نسل طلایی، اشراف روسیه، حکومت تزار.

* تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۳۴، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: bzeinali@ut.ac.ir

** تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۳۴، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: roohangiz_gholizadeh@yahoo.com

مقدمه

ادبیات با به تصویر کشیدن انسان‌های خاص، آنها را در جریان یک حادثه واقعی زندگی، که این جریان در شکل‌گیری و توسعه شخصیت او نقش تعیین‌کننده دارد، قرار می‌دهد. نویسنده برای نشان دادن شخصیت قهرمان خود از روش‌های متفاوت بهره می‌گیرد. در آثار ادبی، زندگی تیپ‌های متفاوت در قرن‌های مختلف مجسم می‌شوند (گروموف، ۱۳۷۶، ۱). نگرانی عمیق در مورد سرنوشت روسیه به عنوان یک معضل حاد در مرکز توجه و تفکر بخش بزرگی از اشرافیت تحصیلکرده روسیه در سه ده اول قرن نوزدهم قرار گرفت و آنها را مجبور به نوعی بازاندیشی تاریخی نمود.

برخی از آنها از وطن نافرهیخته، بدون تاریخ و از نظر تاریخ فرهنگی عقیم خود، احساس شرم می‌کردند و در مورد آینده آن دچار یأس بودند و بعضی امیدوار بودند که ملت روسیه در مسیری که به وسیله اروپای غربی مشخص شده بود، گام نهاده و «عقب‌ماندگی» خود را جبران کند و به ملل فرهنگی ملحق گردد و کسانی هم در تلاش آن بودند که خود را از جمیع احساسات خود کم‌بینی خلاص کنند (خارابی، ۱۳۸۹، ۲-۳).

در این مقاله سعی خواهد شد، ضمن بررسی شخصیت «یوگنی آنگین» که نماینده تیپ ادبی «آدم زیادی» می‌باشد؛ قهرمان جدیدی معرفی گردد که می‌توان او را نماینده قهرمان نسل طلایی به حساب آورد.

اگر بخواهیم به پیشینه تحقیق و به افرادی که به موضوع «آدم زیادی» و «یوگنی آنگین» توجه داشته‌اند اشاره کنیم، بی‌شک ویساریون بلینسکی در صدر این افراد خواهد بود. او در مقاله «قهرمان عصر ما» (۱۸۴۱)، اثر لرمانتوف، به مقایسه آنگین و پیچورین می‌پردازد. از نظر منتقد در سیمای هر دو قهرمان می‌توان ویژگی عصر و دوران آنها را مشاهده نمود. بلینسکی در این مقاله پیچورین را آنگین عصر ما معرفی می‌نماید. دیگر محققانی که می‌توان در اینجا نام برد، چرنیشفسکی و مقاله او در این زمینه تحت عنوان «الکساندر سرگیویچ پوشکین. زندگی و آثار». این مقاله در مورد پوشکین است و بخش اعظم آن به رمان یوگنی آنگین اختصاص دارد. محققان دیگر: یوری لوتمان و مقاله «رمان پوشکین یوگنی آنگین» (۱۹۸۳)؛ ایوسیف برودسکی و مقاله «یوگنی آنگین رمان پوشکین» (۱۹۶۴)؛ دولینینا و مقاله «آنگین را با هم بخوانیم» (۱۹۷۱).

بحث و بررسی

اگر بخواهیم به بررسی مسئله «آدم زیادی» در آثار پوشکین بپردازیم، اولین و بارزترین قهرمان این گونه ادبی «یوگنی آنگین» است. در ادبیات روسیه، اصطلاح ادبی «آدم زیادی» وجود دارد. این گونه از قهرمانان، در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۵۰ بسیار مطرح بودند، این اصطلاح برای اولین بار توسط بلینسکی، در نقد آثار پوشکین استفاده شده است.

در ادبیات روسیه، «آدم زیادی» به کسانی اطلاق می‌شد که به خاطر افکار و اعمال متمایزشان در جامعه، احساس طفیلی بودن و زاید بودن را پیدا می‌کنند. به خاطر افکار آرمان‌گرای خود توسط اطرافیان و حکومت پس‌زده می‌شوند و اغلب به افرادی منزوی و سردرگم تبدیل می‌شوند. این قهرمانان از استعداد و توانایی بالایی برخوردارند ولی در دوره حکومت نیکلای، این توانایی‌ها نمی‌توانستند به اجرا درآیند و افراد سرکوب می‌شدند. در ادبیات روسیه این اصطلاح ادبی، یعنی «آدم زیادی» با ادبیات اشرافی روسیه در قرن نوزدهم تداعی می‌شود.

تلخکامی شدید از سرنوشت، از محیط اطراف و از نفس خود، سراسر وجود نخبگان ملت روس را فراگرفته بود. این هیجان‌ها، نه به صورت هوس و احوال‌سودایی، بلکه به صورت بدگمانی و میل به تخریب و ویران‌سازی جلوه می‌نمود. بیش از هر چیز رابطه روحی نسبت به وطن بود که دستخوش تردید و دوگانگی می‌شد. پوشکین به چادایف نوشت: «به شرفم قسم می‌خورم که حاضر نیستم وطنم را با هیچ چیز در این دنیا معاوضه کنم و یا تاریخ دیگری غیر از تاریخ نیاکانمان که خداوند به ما عطا کرده، داشته باشم». اما همین پوشکین، ندا سر می‌داد: «کار شیطان بود که من با این روح و این ذوق در روسیه به دنیا بیایم». بدین ترتیب بود که با استعدادترین اشخاص قادر نبودند، موجودیت خود را به نحوی معقول در درون جامعه مطرح کنند و به نظر خود به صورت «آدم زیادی» و انسانی که «در زمان مناسب متولد نشده» در می‌آمدند. برای آن‌ها این توفیق پیش نیامد که از طریق توانمندی فردی بتوانند به آگاهی از ارزش اجتماعی خود دست یابند. تنها پوشکین نبود که این سؤال را مطرح می‌کرد که در روسیه چه کاری برای انجام دادن دارد و آیا عاقلانه‌تر نیست به خارج بگریزد و دیگر هیچگاه به این کشور «لعنتی» برنگردد. صفت ممیزه احوال روحی روشنفکران روسیه، فلج کامل قدرت کار و اراده آن‌ها بود. حالت مذکور با نوعی تضاد که برای یک فرد اروپای غربی غیرقابل فهم است، همراه بود. یعنی تضاد میان بحث‌های شدید و بی‌پایان آن‌ها درباره طرح‌های نوع‌دوستانه در کنار سماوری که غلغل می‌کرد و بیکارگی عملیشان، فقدان انرژی و

عدم قابلیت توأم کردن سخن و عمل، [این‌ها] از آثار و نتایج مسمومیت اذهان به وسیله نظام برده‌داری و رژیم مطلقه بود (خارابی، ۱۳۸۹، ۲-۳).

رمان یوگنی آنگین مهمترین اثر پوشکین از لحاظ تنوع موضوع، ایده و حادثه است. این رمان از بهترین و سرآمدترین آثار پوشکین است و حتی از برجسته‌ترین آثار ادبی جهان نیز به حساب می‌آید. تصویر کاملی که پوشکین از طبیعت، زندگی، ایده‌آل‌ها، شور و اشتیاق مردم زمان خود در این اثر ترسیم کرده، در هیچ دایره‌المعارفی نیامده و بلینسکی منتقد معروف روسیه، آن را به لحاظ گستردگی حوادث و موضوعات، دایره‌المعارف زندگی روسیه نامیده است. با خواندن رمان، تصویر جامع و کاملی از زندگی مردم روسیه در اوایل قرن نوزدهم به دست می‌آید. زندگی، جهان‌بینی و اخلاقیات همه مردم روسیه در این رمان، در چند سطر کوتاه آمده است، از ملاکان، شهرستانی‌ها، دهقانان و روستاییان گرفته تا اشراف مسکو و پترزبورگ (یحیی پور، کریمی مطهر، ژینگالوا، ۲۰۱۰، ۲۸).

یوگنی آنگین از بدو چاپ اول هم خوانندگان و هم ناقدان را شیفته و مفتون خود ساخته بود. از بین ناقدان می‌توان به بلینسکی اشاره کرد. وی که توانایی و اقتدارش در قرن نوزدهم، تمام ادبیات روسیه را تحت‌الشعاع قرار داده بود؛ درباره این رمان می‌گوید: از لحاظ طرح داستان، یک روایت واقعی و از نظر توصیف محیط روسیه، یک منظومه شاعرانه محسوب می‌شود و قطعاً این متن، برخوردار از الهامات شاعری است که عمل پوشکین را بازتاب می‌دهد. سایر پژوهشگران نیز معتقدند: این رمان در ادبیات روسیه در نوع خود بی‌نظیر است. بلینسکی در جای دیگری گفته است: این کتاب زیباترین و الهام بخش‌ترین متنی است که پوشکین آن را در دوران حیات خود نگاشته و بدیع‌ترین، رمانی است که آن را ابداع کرده است. در این رمان، شخصیت او به بهترین وجه نسبت به رمان‌های دیگرش بیان شده است. بلینسکی مانند دیگران معتقد است، علی‌رغم تمامی کمبودها و نقائص موجود؛ غیرممکن است یوگنی آنگین شخص دیگری غیر از خود پوشکین باشد. از طرفی منفی‌گرایی یوگنی آنگین، ابدی و همیشگی نیست و در نهایت در پی‌رخدادها و اتفاقات، به پاکی و صمیمیت منجر می‌شود. همچنان‌که ابراز عشق وی در مرحله دوم به تاتیانا عشقی حقیقی است و یا ممکن است، بیانگر تصویری شیطانی که نفرت بر آن جایگزین شده باشد. اما او در پایان خود را فدا می‌کند تا پاکی و انسانیت کودکانه‌اش را به نمایش بگذارد (کلته ۲). پوشکین با توصیف یک روز معمولی از زندگی «یوگنی آنگین» نشان داده است که اشراف‌زادگان جوان پایتخت، وقت خود را چگونه سپری می‌کردند.

یوگنی آنگین نماینده جوانان قرن نوزدهم روسیه است که جزء روشنفکران جامعه است و به دنبال ایده‌آل خود می‌گردد. زندگی و طرز تفکر آنگین‌ها متفاوت از دیگران است. پوشکین به آنگین به عنوان یک اشراف‌زاده که تمام زندگی خود را در عیش و بزم‌ها و مجالس می‌گذراند، نگاه نمی‌کند. بلکه او را در جامعه متمایز از دیگران می‌داند. او را از جامعه جدا می‌کند و در روستایی به تصویر می‌کشد. زندگی روزمره، سرگرمی‌ها، محافل و مجالس، روحیه جستجوگر و عصیانگر او را تسکین نمی‌دادند. او فراتر از مردمان زمان خود بود. ایده‌آل‌های زندگی او فراتر از دنیای اطراف بودند.

نقاط مثبت و منفی شخصیت آنگین از نظر بلینسکی به جامعه و محیط اطراف بستگی دارد. در توصیف این شرایط او می‌نویسد: «بیکاری و بطلت زندگی برای آن‌ها مرگ‌آور است. او حتی نمی‌داند، نیازمند چیست و چه چیزی برایش بیهوده است». به همین دلیل، بلینسکی برای توصیف آنگین از او تحت عنوان «رنجور خودخواه» نام می‌برد. منتقد، آنگین را مؤاخذه نمی‌کند، بلکه او را از نقدهای بی‌اساس بر حذر می‌دارد (میلاخ، ۱۹۶۶، ۴۲۵). جامعه و مردمان اطراف، مشکلات و معضلات جامعه، همواره روح او را می‌آزردند. او سعی داشت، تغییری در زندگی خود و اطرافیان ایجاد کند، اما چون فراتر از زمان خود بود، از سوی دیگران درک نمی‌شد و از جامعه طرد می‌شد.

اصطلاح دیگری که به جوانان قرن نوزدهم اطلاق می‌شد، اصطلاح «نسل طلایی» بود. پیکسانوف در مقاله «پوشکین و فقر پترزبورگ» از این اصطلاح ادبی استفاده می‌کند. او جوانان قرن نوزدهم را در گروه نسل طلایی قرار می‌دهد (پیکسانوف، ۱۹۶۰، ۱۷۶). آن‌ها گروهی از جوانان بودند که زندگی مردم و مشکلات جامعه همواره آن‌ها را به خود وا می‌داشت. نجات و بهبود شرایط زندگی مردم از سرمشق‌های زندگی آن‌ها بود. مبارزه برای رسیدن به ایده‌آل در زندگی، شعار این‌گونه جوانان بود. زمانی که اینگونه توصیفات مطرح می‌شوند، قهرمان رمان «یوگنی آنگین»، جزء اولین افرادی است که با این شرایط تطابق دارد.

رمان یوگنی آنگین پوشکین، به صورت بازتاب زندگی خصوصی او و زندگی قشر اجتماعی اشراف، که خود پوشکین نیز بدان تعلق داشت، پدید آمده‌است. آنگین، نماینده شاخص دسته روشنفکران با استعداد روس از رده اشراف است که رغبت و امکان فعالیت جدی و مفید در آن‌ها وجود ندارد و روزهای خود را در بیکارگی و خلا درونی سپری می‌کنند. او که مردی مورد توجه زنان است، بی‌احساس، متکبر، بی‌حوصله و تا حدی خودپسند، خود را در گرداب آن تفریحاتی می‌اندازد که خانواده‌های بسیار اصیل سنت

پترزبورگ در قصرهای باشکوهشان با تجمل اسرافگرایانه عرضه می‌دارند. از طریق ارث، صاحب ملک بزرگی در ولایت می‌شود و خود را کنار کشیده، به آنجا می‌رود. اما حتی در آنجا، در آن محیط بهشت‌آسا، در میان آدم‌های دوست داشتنی و سالم نیز ماهیت او، خودمحمور باقی می‌ماند و روحش پژمرده و عاجز از هرگونه اعتلاست (خارابی، ۱۳۸۹، ۶).

هیچ چیز نمی‌تواند شوق فروخته‌ی زندگی را دوباره در او بیدار کند، زیرا او قادر نیست به زندگی خود در خدمت جامعه معنایی ببخشد و برای قابلیت توانایی خود هدفی مشخص کند. او به نظر خودش، مانند آدمی زیادی می‌آید، زیرا نمی‌تواند برای کسی تلاش کند. بی‌محبتی، تحقیر انسان‌ها، تلون مزاج و بی‌تفاوتی در قلب او لانه می‌کنند و شخصیت او در انزوای بی‌حاصلی می‌خشکد. حتی آشنایی با تاتیانا، دختری زیبا و باطراوت، نمی‌تواند کرخستی و بی‌حسی قلب او را چاره کند. دوتلی که به بهانه‌ای پوچ و مسخره پیش می‌آید - و آنگین طی آن دوست خود، لنسکی شاعر جوان را از پای درمی‌آورد - ماهیت وجودش را که در رسوم قراردادی طبقاتی او متحجر شده، دستخوش تلاطم نمی‌کند. آنگین را سرسلسله آن سنخ از روس‌هایی خوانده‌اند که خود را در وطن «زیادی» احساس می‌کردند (همان ۶).

لنسکی، قهرمان دیگر این اثر نیز می‌تواند؛ در این گروه قرار گیرد. یوری لوتمان در مقاله خود، «رمان الکساندر سرگیویچ پوشکین، «یوگنی آنگین»»، لنسکی را در ردیف جوانان نسل طلایی قرار می‌دهد که راه متفاوت‌تری را برانگیخته است. راه و رسم زندگی جوانان نسل طلایی سال‌های ۲۰ در زندگی لنسکی آشکار شده است.

پوشکین در رمان خود به‌خوبی نشان می‌دهد که هر دوی این افراد در جستجوی زندگی بهتر و ایده‌آل‌های ذهنی، زندگی پر زرق و برق شهری را رها می‌کنند و به دنبال روح کاوشگر و جستجوگر خود راهی سرزمین تنهایی و سکوت می‌شوند. هر دوی آن‌ها به روستا پناه می‌برند تا بتوانند با بهبود شرایط زندگی خود و اطرافیان گامی به جلو برداشته باشند. در بین اطرافیان خود نوآوری داشته باشند. سنت‌ها و چارچوب‌های روزمره و قدیمی را در هم شکنند.

رمان یوگنی آنگین، از زبان نویسنده‌ای است که در آن، خود را؛ دوست آنگین معرفی می‌کند. این اثر به نظم است. چنان که خود پوشکین نیز یادآوری می‌کند، او رمان نمی‌نویسد، بلکه رمان منظوم می‌نویسد و این تفاوت جهنمی است (نیردوتسکی ۲۲).

قهرمان رمان یوگنی آنگین پیش از قیام دکابریست‌ها و قبل از حکومت پلیسی نیکلای اول، در دهه ۲۰ قرن نوزدهم می‌زیسته است. در این اثر به خوبی قابل لمس است که پوشکین

از مسائل دوران خویش می‌نویسد. مشکلات جامعه را ترسیم کرده و اعتراض خود را از پشت نقاب آنگین به گوش اطرافیان می‌رساند.

اثر یوگنی آنگین یک اثر رئالیستی می‌باشد. به جرأت می‌توان گفت که هیچ یک از نویسندگان و شاعران قرن نوزدهم روسیه، همانند پوشکین بر نویسندگان و شعرا بعد از خود تأثیر نگذاشته است و به همین دلیل او را بنیان‌گذار زبان ادبی روسی و از پیشروان مکتب ادبی رئالیسم در ادبیات روسیه می‌دانند (یحیی‌پور، کریمی‌مطهر، ژینگالوا، ۲۰۱۰، ۳۰).

جامعه‌اشرفی با تمامی ظواهر و جذابیت‌های موجود برای پوشکین، سرابی بیش نبود. او از این مجالس و محافل گریزان بود. میل به کنجکاوی، شور انقلابی و مبارزه با حکومت، همواره سرمشق برنامه زندگی او بودند. مطالعه، تحقیق، سخنوری و احساس ضد حکومتی و مردمی از ویژگی‌ها بارز وی بودند.

زمانی که شروع به خواندن اثر یوگنی آنگین می‌کنیم، خواننده احساس می‌کند که با چشم‌های پوشکین به دنیای اطراف می‌نگرد. او خود را دوست آنگین می‌نامد.

چهره پوشکین در این اثر آشکار نیست. خواننده اثر، از قهرمان اصلی اطلاع زیادی ندارد. اگر او سعی کند، چشمان خود را ببندد و قهرمان اصلی را تصور کند، هیچ چیزی جلوی چشمان او به تصویر کشیده نمی‌شود. نویسنده، اطلاعاتی درباره قهرمان اصلی می‌دهد، اما باز هم برای خواننده ناآشناست. قهرمان اصلی، شخصی بدون چهره و هویت است. نویسنده داستان - همزمان، راوی داستان و قهرمان داستان است. در راوی داستان، خوی و خصلت نویسنده اثر هویدا شده است. پوشکین، راوی داستان را از احساسات، هیجانات و تجربیات خود سیراب کرده است. اما باید این نکته را در نظر گرفت که رابطه بین راوی داستان و نویسنده داستان، همانند رابطه هر قهرمان داستان با افراد واقعی موجود در جامعه است. هر قهرمان داستان، نماینده قشری از جامعه واقعی است. زندگی نامه راوی داستان، مطابق زندگی نامه داستان است و دیدگاه و جهان‌بینی راوی داستان، ایدئولوژی پوشکین را به تصویر می‌کشد (کراسوفسکی، ۲۰۰۶، ۹۲-۹۳).

زمانی که در فصل اول اثر، جدا شدن آنگین از جامعه و محیط اطراف، به تصویر کشیده می‌شود، خواننده بی‌درنگ به جدا شدن پوشکین از جامعه اشرفی و شخص تزار پی می‌برد. فصل اول این اثر، به مثابه تبعید پوشکین از محیط اطراف و جدا شدن او از جامعه است. او در مجموعه نامه‌های خود از اودسا در سال ۱۸۲۴ به دوستانش می‌نویسد: درباره منظومه من اصلاً فکرش را هم نکنید، اگر هم زمانی به چاپ برسد، اطمینان داشته باشید که در

مسکو و سن پترزبورگ نخواهد بود (مجموعه نامه‌های پوشکین، ۱۹۹۵، ۸۸). سعی می‌کنم هر طور شده فصل اول آن را به درگاه سانسور برسانم، شاید بخت با ما یار شود و بگذریم (همان ۹۸). چه چیزی مسبب این ترس بود؟ به احتمال زیاد، حدس پوشکین بر این‌که اشارات وی به تبعیدش که در سراسر بخش اول به چشم می‌خورد، امکان دارد مانع از چاپ این اثر شود. تصور این‌که سه سال بعد از نوشتن اثر «من به خاطر دارم آن لحظه‌ای...» در سال ۱۸۲۷، سانسور دربار چاپ این اثر را ممنوع ساخت، غیر ممکن است. پس با این وجود، چاپ آنگین با دارا بودن این‌گونه بحث‌ها در طول کل اثر، مطمئناً با مشکل چاپ روبرو می‌شود (واتسورو، ۱۹۷۸، ۱۰۸).

حکومت با به چاپ رسیدن چنین اثری، با چنین محتوای انقلابی، مخالف بود. در فصل‌های بعدی این اثر، روحیه انقلابی و آزادی‌خواه آنگین به خوبی به چشم می‌خورد. زمانی‌که او به روستای عموی خود می‌آید، در صدد ایجاد تغییرات در زندگی روستاییان برمی‌آید. کار خیری که در حق دهقان‌های ملک خود انجام می‌دهد، آن است که خدمت بیگاری آن‌ها را با بهره‌پولی مختصری جایگزین می‌کند؛ در ضمن ترجیح می‌دهد که به مسائل نظام برده‌داری نپردازد. در نتیجه این عملکرد، اطرافیان؛ او را «غریبه‌ای خطرناک» خطاب می‌کنند.

تنها در میان املاک و دارایی‌های خود،

فقط برای گذراندن اوقات خویش،

یوگنی ما در ابتدا تصمیم گرفت

روش جدیدی گیرد در پیش.

دانای کل در این مکان دور،

روستاییان را از یوغ بردگی آزاد کرد

و بجای آن، غرامت اندکی تعیین کرد؛

و مردم را از رعیتی رها کرد.

اما در آن سو، همسایه‌اش ناراحت شد،

با احساس خطر از وقوع این تغییرات،

دیگری خنده‌ای تلخ بر لبانش راند،

و همگی یک‌صدا فریاد زدند،

که او غریبه‌ای ست خطرناک (فصل دوم، بخش چهارم).

آنگین، خواستار ایجاد اصلاحات در نظام حاکم بر مردم و نظام حاکم بر روح و روان خویش است. اما از آنجایی که محیط اطراف، توانایی درک اینگونه افراد را ندارد و آن‌ها را غریبه‌ای در سرزمین خویش می‌پندارد، سعی و تلاش آن‌ها چندان نتیجه بخش نخواهد بود. اما باز هم به‌گونه‌ای روح کاوشگر و متغیر آن‌ها دنبال ایجاد تغییر و بهبود اوضاع جامعه است. آنان از تحصیلات بالایی برخوردارند. سخنوری، مطالعه بسیار و احاطه کلی و جزئی بر بسیاری مسائل، از خصوصیات بارز آن‌ها بود. قهرمان گونه ادبی «آدم زیادی»، به علوم بسیاری آگاه بود. دانش او در تمامی زمینه‌ها، تعجب دیگران را بر می‌انگیخت.

او به زیبایی به فرانسه تسلط داشت

می‌توانست نامه بنویسد و صحبت کند؛

به آسانی مازورکا می‌رقصید

و به زیبایی تعظیم می‌کرد؛

باز هم توضیح بدم؟ اطرافیان اعتراف کردند،

او بسیار باهوش و دوست داشتنی است (فصل اول، بخش چهارم).

شاید به همین دلیل آن‌ها را «آدم زیادی» می‌نامیدند. چرا که فراتر از زمان خود بودند. به تصور خود آن‌ها، در زمان و مکان مناسبی قرار نگرفته‌اند و همین خصلت‌های بارز، آن‌ها را تبدیل به «نسل طلایی» می‌سازد.

نسلی که همواره در سعی و تلاش بودند تا شرایط و اوضاع زندگی اطرافیان خود را بهبود بخشند. در صدد تغییر حکومت و حاکم بودند. بارزترین آن‌ها افرادی بودند که بعدها به انقلابیون و دکابریست‌ها پیوستند. افرادی بودند که در ۱۴ دسامبر به میدان رفتند و علیه حکومت برای نجات ملت جنگیده و تبعید شدند.

در فصل دهم و فصل چاپ نشده «یوگنی آنگین»، نویسنده توصیف می‌کند که آنگین به گروه دکابریست‌ها پیوست. سرانجام روح جستجوگر و انقلابی او سرمنزل خود را پیدا می‌کند. در میان این همه تجملات و وسوسه‌ها، روح و ذات او جایگاه اصلی خود را پیدا کرده و به آرامش می‌رسد. این مسئله در زندگی پوشکین نیز به خوبی دیده می‌شود. در طول عمر کوتاه خویش او نیز همانند آنگین، میان همه لذت‌های مادی، تجملات، محافل بزم و مجالس رقص عبور می‌کند و آتش روحش را با سرودن شعرهای انقلابی و شعرهایی برای تبعیدشدگان التیام می‌بخشد.

ماجرای رمان که به زبان شعر بیان شده (و شکوه و زیبایی آن با هیچ ترجمه‌ای قابل بیان نیست)، در شهر سنت پترزبورگ به پایان می‌رسد. آنگین چند سال بعد، تاتیانا را به عنوان بانویی از محافل بالا دوباره می‌بیند و محو شکوه وجود او می‌شود، به پای او افتاده و اظهار عشق می‌کند، ولی رانده می‌شود. بیماری آنگین که نه خودش و نه هیچ کس دیگر را نمی‌تواند خوشبخت کند، از نوع بیماری فردی نیست، بلکه دردی است که ریشه در مناسبات اجتماعی عصر دارد. درست به همین دلیل پوشکین قطعاتی از طنز تلخ و انتقاد گزنده را نثار اشراف و سبک زندگی آن‌ها می‌کند (خارابی، ۱۳۸۹، ۷).

ف. ایوانف پژوهشگر روسی درباره این رمان می‌گوید: «با این شاهکار ادبی، شکوفایی داستان‌سرایی در ادبیات روسیه آغاز گردید و این شکوفایی یکی از مدرن‌ترین مفاهیمی را در خود به همراه داشت که فرهنگ معاصر اروپا با آن آشنا می‌شد». اما به باور برخی، این رمان با برتری‌های موجود در آن و ترسیم محیط روسیه به یک سند تاریخی مبدل گشته است و علاوه بر آن، از ستایش مداوم داستایوفسکی در خصوص «روح ملیت‌پرستی» در این رمان، می‌توان به جایگاه والای رمان یوگنی آنگین در ادبیات روسیه پی برد (کلته ۱).

ویژگی‌های آدم زیادی

آنچه که بر پایه نظرات تورگینف می‌توان به عنوان ویژگی یک آدم زیادی در نظر گرفت موارد ذیل است:

- پایگاه خانوادگی این قهرمان ادبی برخاسته از خانواده‌های اشراف بود.
- وضعیت اقتصادی آنان بسیار مساعد بود.
- آن‌ها به علوم مختلف تسلط داشتند و از استعداد‌های بالایی برخوردار بودند.
- به دلیل روح کاوشگر و آرمان‌گرای خود نمی‌توانستند، جایگاه خود را در جامعه پیدا کنند.
- زندگی اشرافی و تجملات حاکم بر زندگی این قشر در جامعه آن‌ها را جذب نمی‌کرد.
- آن‌ها در زمان و مکان مناسبی به دنیا نیامده بودند.
- توسط جامعه و به واسطه شرایط حاکم به دلیل افکار خود طرد می‌شوند.
- تلاش برای بهبود شرایط زندگی مردمان عادی.
- دفاع از حقوق فرودستان.
- شاید بتوان گفت نوعی عیاری که نویسنده سعی در القاء آن داشته است.

نتیجه

می‌توان با تأکید بر ویژگی‌های «آدم زیادی» یاد شده در بالا خاطر نشان کرد، قهرمان گونه ادبی «آدم زیادی» که با اثر «یوگنی آنگین» پا به ادبیات روسیه گذاشته، از جوانان قرن نوزدهم و قشر مرفه جامعه است. دارای استعداد و توانایی‌های بالقوه فراوانی‌اند، اما جامعه و محیط اطراف توانایی درک آن‌ها را ندارد. آن‌ها از اخلاقیات و زندگی طبقه و اقشار خود ناراضی و دلزده‌اند. ظواهر و تجملات موجود، ارضاء کننده ذات و روحیه عصیانگر و کاوشگر آن‌ها نیست. آن‌ها به تدریج از جامعه خود دور می‌شوند؛ اما همواره در تلاش‌اند که بتوانند تغییری در جامعه اطراف و درون خود ایجاد کنند. با برهم زدن قوانین و سنت‌های حاکم سعی دارند، ردپایی از خود بر جای بگذارند. اگر بخواهیم در دنیای واقعی و در ادبیات روسیه، نمونه‌ای از اینگونه افراد پیدا کنیم؛ بی‌شک به خورشید تابان ادبیات روسیه الکساندر سرگیویچ پوشکین اشاره خواهد شد.

تولد و رشد در جامعه اشرافی و تجملاتی، تأثیری بر روان و روحیه انقلابی او نداشت. از همان دوران کودکی او در میان همسالانش متمایز بود. سرودن اشعار تاریخی در سال‌های کودکی و اشعار انقلابی و ضدحکومتی در طول زندگی و دوران پایان زندگی از مشخصات بارز او بود. شرکت در محافل ادبی، حزب‌های انقلابی، تبعیدشدن‌های مکرر به خاطر قلم صریح و گویای خود، از افتخارات او بود. همین شرایط، او را قهرمان نسل طلایی زمان خود و قرن نوزدهم می‌سازد. استعداد و توانایی بالای او در تمامی امور، ذوق ادبی، تسلط به زبان‌ها و علوم مختلف او را در جامعه به عنوان یک «آدم زیادی» برجسته می‌سازد که جلوتر از زمان خود حرکت می‌کند. این مسئله و اینگونه استعدادها در بین دیگر نویسندگان قرن نوزدهم نیز به خوبی دیده می‌شود. اما قلم پوشکین و قهرمانان او از جایگاه ویژه‌ای، در بین دیگر گونه‌های ادبی و قهرمانان برخوردار است.

نویسندگان این دوره، شخصیت‌های بسیاری را خلق نموده‌اند که نه تنها بر نویسندگان روس بلکه بر نویسندگان دیگر کشورها نیز تأثیرگذار بوده‌اند و ادبیات قرن نوزدهم را غنا بخشیده‌اند و به همین خاطر قرن طلایی ادبیات روسیه نام گرفته است.

Bibliography

- Al-Aris Ibrahim., Dar Al-Hayat, (1391). *Eugene Onegin: The first step in the development of Russian literature- Translator: Abdol Naser Kalthe*. (Tehran, www.komeshdefa51.blogfa.com)
- Bayevski, V. S., (1983). *Vremya v "Yevgeni Onegine*. (Time in The Novels Eugene Onegin). (Leningrad, Leningrad publicatsion.)
- Gitermann, Valentin. (1987). *Geschichte Russlands*, Band III, Frankfurt: Athenaeum.
- Groumov, N. A., *Belinsky va naghde adabi*. (Belinsky and literal criticism), translated by Mojgan Farazi Kasmaie. (1376). (Tehran, Fiction Magazine)
- Gyterman, V. (1389). "Nokati dar bare Adabiyate Roos". (Facts about Russian literature" - translated by Farouk Kharaby, Tehran, Organon, Philosophical Quarterly, No. 9.
- Karimi Motahar, J., (2007). *Teoriye adabiyat*. (Literature Theory). Tehran: University of Tehran.
- Koroving, V. A., (1990). *Rooskaya literatura, uchebnik 9 klassa*. (Russian Literature, text book of 9th grade). Moscow: "Prosvesheniye" publication.
- Krasovsky, V. A., (2006). *Ruskaya literatura 19-20 vekov, tom 1*. (Russian literature (19th and 20th centuries) 2nd vol 1. Moscow: MGU publication.
- Lotman, U. M., (1995). *Roman Pooshkina Evgeniy Onegin*. (Eugene Onegin novel by Pushkin). (Moscow, Iskustvo Publicatsion)
- Mikhaylova, N. A., (2009). *Tekst-Komentariy Eugene Onegin*. (Text Eugene Onegin). Moscow: Drofa- plus publications.
- Milakh, B. S., (1966). *Evgeniy Onegin*. (Eugene Onegin). Moscow: Nauka publication
- Piksanov, N. K., (1960). *Pooshkin I Peterburgskaya bednota*. (Pushkin and Poverty in San Petersburg). Moscow: AN SSSR publication.
- Vatsooro, V. E., (1978). "Severniye tsveti". (North Flowers, poems by Pushkin- Delvig). (Moscow, Journal of Severniye Tsveti)
- Yahyapour, M. (1390). "Barresiye mozooe Adame Ezafi dar adabiyate daheye 20-30 gharne 19 roosiye va moaser". (About superfluous man in 1820s and 1830s literature of Russia and contemporary literature). (Kerman, Journal of Comparative Literature)
- Yahyapour, M., Karimi Motahar, J., Zhigalova, M., (2010). *Adabiyate Roosiye; tahlil, porsesh, taklif*". (Russian literature; analysis, question, work). Tehran: Markaze nashre daneshgahi.